

تربیت از نظر قرآن
 در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روشی که در این کتاب آمده است، به بررسی تربیت از نظر قرآن بپردازیم. در این کتاب سعی شده است تا با استفاده از روشی که در این کتاب آمده است، به بررسی تربیت از نظر قرآن بپردازیم.

از حجة الاسلام :

حاج سید محمود طالقانی

تربیت از نظر قرآن

تربیت کلمه ایست رائج و معنای آن بحسب نظر های مختلف ، مانند نیازمندیهای زندگی هدف عمومی میباشد ؛ آنچه بر همه دشوار آمده ، تشخیص حقیقت و راه رسیدن بدان است ، کتابهایی که نوشته شده و مدارس و معابدیکه تأسیس گردیده ، کرسیهای درس و خطابه ایکه بر پا گشته ، همه برای رسیدن و رساندن بهمین هدف عمومی و عالی حیاتی است .

بهمین جهت در سطور يك مقاله و يك كتاب ، نمیتوان نظر ها و راهها و مکتبهای تربیتی را بر رسی نمود . برای رسیدن بمقصود که همان عنوان مقاله است ، تنها میباشد از راه معنای لغوی و تطبیقی تربیت پیش برویم . لغت تربیت از « ربو » و معنای آن افزایش و بر آمدن است تربیت یعنی اندك اندك افزودن و برتر آوردن ؛ این معناتنها در موجودات زنده درست میآید که قابل افزایشند ، و چون افزایش آنها طبیعی

است معنای تربیت، فراهم ساختن و سائل و اسباب و محیط تربیتی میباشد. تربیت گیاه و درخت همین است که محیط تغذیه آن از زمین و آب و نور آماده گردد و موانع: مانند ریشه‌ها و شاخه‌های هرز از میان برود، و پیوند بآن زده شود، تاشاخ و برگش سرسبزتر، و گل و میوه‌اش بهتر و برومند تر گردد.

حیوانات چون دارای غرائزند، تربیت آنها از جسم و پیکر که گذشت، تعدیل یا تقویت غرائز و زیر فرمان اراده بشری قرار دادن آنها است. انسان بیش از قوا و غرائز گوناگون و سرشاری که دارد، دارای اراده آزاد و عقل مدبر است بدینجهت معنا و تطبیق تربیت در او بسی وسیع و مختلف است و هر مکتب تربیتی ناظر یکی از جهات و تقویت قسمتی از قوای او میباشد، و تا اصول قوای پیچیده‌ای که تشکیل دهنده شخصیت بشری است بر رومی و تجزیه نشود، نمیتوان معنای جامع

تربیت را در انسان فهمید. *مقاله‌های فلسفی و تربیتی*
آنچه نخست در خود مینگریم بدن است؛ که از اعضاء و جهازات گوناگون تشکیل شده، بیشتر اعضاء بدن و سلولهای آن خود کارند و زیر فرمان اراده و اختیار نجیبا شند - همه اینها برای نگهداری و دفاع از بدن و تأمین نوع بی‌درنگ در کوششند، یک قسمت دیگر اعضاء، زیر فرمان اراده اند که اعضاء ادراک و تحریکند، اراده راهم اندیشه‌ها و آرزوها می‌گرداند، اندیشه هاهم با بررسی دقیق از سه اصل و مبدأ برانگیخته می‌شوند، تا اندازه‌ای معلوم است که مبدأ تحریک بسوی لذات و شهوات حیوانی، با آن مبدئیکه بسوی برتری و سرفرازی و نام و شهرت پیش

میبرد، از هم جداست، گویانکه در بسیاری از مردم این دو محرك در يك خط، یا دوم که مبدأ عالیتر است، مقدمه برای اول که پست تر است قرار میگیرد ولی این همقدمی پیوسته نیست، آنجا که مقام و شرافت بالذات و شهوات پست سازگار نبود، گروهی بآن سو میروند، گروهی باین سو، و از حرکت و نفوذ مبدأ دیگر چشم میپوشند، و آنرا محکوم میسازند، یا بحال تردید میگذرانند، تا اوضاع و آثار محیط کدام را تقویت نماید و این دو بامبدئی که دستگاہ تفکر را برای درک مجهولات و کشف اسرار وجود بکار میاندازد جداست، این سه مبدأ بحسب مراتب، در بدن محل ظهوری دارند: محل و مرکز شهوات پست، اعضاء سافله هضم و تولید است، و قلب مظهر دوم، و مغز محل ظهور باآلت ادراک است، در محیط بیرون هم سه محیط جدا دارند در محیط محرك هر يك آن دو دیگری آرام و محکوم است، در محیطی که وسائل تحریک و بیداری دویاسه از اینها فراهم باشد، کشمکش و شوریدگی از درون بیرون سرایت مینماید؛ و به بسیج قوا میپردازند، تا کدام پیروز شوند، انسانی که محکوم یکی از این مبادی باشد، بهمان نام خوانده میشود، انسان شهوانی و مال طلب (چون مال یگانه وسیله سیر کردن شهوات است)؛ انسان اشرافی انسان علمی و متفکر، در محیط خارج، حکومت بدست هر يك از این طبقات باشد، بهمان نام خوانده میشود، حکومت سرمایه داری و شهوت، حکومت نظامی و اشرافیت، حکومت حق و عدالت، در اجتماعات بشری بیشتر بهم آمیخته است؛ چنانکه بیشتر مردم از جهت سازمان درونی در یکجهت محض نیستند، این مبادی درونی

آنگاه میتواند بهدفع و مقصود از خلقت برسد، که هر يك مانند طبقات سه گانه اجتماع در حد خود قرار گیرد، و از آن تجاوز ننماید؛ تا بقاء فرد در نوع و شخصیت حقیقی انسان تأمین شود، و بتمام لذات که همان رسیدن بتمایلات بیرونی و درونی است یکسان نائل گردد، اگر یکی از این مبادی نفسانی بوسیله تقویت محیط قوی و چیره گردید، تعادل نظام نفسیات که همان صحت روحی است از میان میرود، و چنین فردی از همه لذات بهره مند نمیشود، و در نتیجه تأمین بقاء که نتیجه صحت است فراهم نخواهد شد.

فردمادی، یعنی کسی که تنها هدفش مال است که وسیله رفع حوائج و رسیدن بلذات جسمانی است، پیوسته برای بدست آوردن و حفظ آن میکوشد و بتدریج وسیله را هدف می گیرد، و گرفتار اضطراب و رنج درونی است، و از لذات سرافرازی و نام و شهرت و ادراکات عقلی محروم میباشد؛ و عقالش در تاریکی کورانهای شهوات و آرزوهایست که از نفس برمیخیزد و مانند دود غلیظی دیواره های درونی را که روزنه ها و شیشه هایست، برای تابش فکر و انعکاس جمال و حکمت عالم، سیاه می نماید.

فرد اشرافی: کسی که مبدأ برتری جوئی و تحمیل اراده شخصی بر مردم، بر او غلبه و حکومت دارد، چنانکه بسا از لذات جسمی کم بهره است؛ از لذات روحی و پیشرفتهای عقلی نیز محروم است، چنین فردی بهر چه، از چشم و سیاه مینگرد، و در باره هیچ امری اخلاص و نظر واقع بینی ندارد، مال، اولاد، خانواده، اجتماع، دین و حقیقت در

نظر چنین فردی تا آنجا محبوب است که پله نردبان مضطرب مقام و قدرت او باشد؛ این فرد چنانکه از درك حقیقت و جمال علم بی بهره است، از عواطف هم بهره‌ای ندارد، همین که بالای پله متزلزل و شاخه بلند، و در معرض طوفان مقام قرار گرفت، نه پائین می‌آید و نمی‌تواند قرار گیرد، بالای جان خود و دیگران است، چون بنا شایستگی بالا رفته.

نردبان خلق این ما و من است

عاقبت زین نردبان افتادن است

آنکه بالاتر رود احمق تر است

استخوان او برتر خواهد شکست

این مبادی سه گانه در آغاز سرشت انسان نهفته است؛ احتیاج، انسان را با محیط بیرون مرتبط می‌سازد، محیط، عواطف و هیله‌ها را بیدار مینماید، و آنگاه آن مبادی برانگیخته میشوند؛ و انسان بیرنگرابه رنگ محیط، و منطبق با آن میگردانند؛ محیط بیرونی هر کدام را تقویت نماید و غذا دهد، همان نیرومند میگردد، و دیگر مبادی درونی یا از خواب بر نمیخیزند، یا در برابر آن هبدا نیرومند زبون و محکوم می‌شوند، پس تربیت همان ایجاد محیط است، ولی برای بیداری شهوات حیوانی، ایجاد محیط لازم نیست؛ همان احتیاج در حد ضرورت انگیزنده است، و آن مقصودیکه تأمین زندگی فرد و بقا، نوع است تأمین می‌شود؛ ایجاد محیط برای برانگیختن شهوات پست، مبداء عقل و مقاومت را از رشد باز میدارد؛ و بند بندگی بگردن آنها میاندازد، بدیهی است که اگر توانایی عقلی و ارادی در افراد زبون و محکوم

گردید، قابلیت بقاء نوعی و اجتماعی هم رو بضعف میرود و بنابودی می‌کشاند؛ نه تنها برای تقویت مبادی پست ایجاد محیط لازم نیست، بلکه می‌باید بواسیلهٔ ایجاد محیط مخالف از سر کشی آنها جلوگیری نمود.

برای تقویت مبدأ مقاومت و اراده تاحدی ایجاد محیط: مانند تعلیمات نظامی و تحریریه‌های حماسی و برکنار داشتن از محیطهای شهوانی، لازم است؛ ولی نه آنچنانکه غرور و درندگی ایجاد نماید، و از کار و تولید و تأمین لذات جسمی و تعلیمات روحی و عقلی باز دارد، تقویت برای مبدأ ذهنی و عقلی بیش از همه لازم است، چون این سرمایه در نفوس سرشارتر و نهفته‌تر است، و همزاحمت ظهور آنها هم بیشتر است.

بنابراین محیط کامل تربیتی، آن محیطی است که هم محبت بمعرفت را بر انگیزد تا بعلل فاعلی و غائی و وظائف و اسرار جهان پی ببرد، هم مبدأ اراده و مقاومت را در برابر ظالم و متجاوز تقویت نماید، آن احساس مسئولیت که دین ایجاد مینماید، و دستوراتی که بعنوان اوامر و نواهی و حلال و حرام، و محدودیتها میدهد، برای ایجاد چنین محیط تربیتی است، اگر دستورات قرآن درست و جامع اجرا شود، هر خانه و شهر و کشوری محیط مساعد تربیتی خواهد گردید که بذریع وجود افراد بشمر و بهره نهائی میرسد، و استعداد معنوی و در نتیجه مادی بکار میافتد، برای نمونه يك آیه از قرآن کریم را در اینجا میآوریم، تا نظر قرآنی را در باره تربیت و فراهم ساختن محیط تربیتی

بنگریم :

سورة بقره آیه ۱۷۷ : لیس البران تولوا و جوهکم قبل
المشرق والمغرب ولكن البرمن آمن بالله والیوم الاخر والملائكة
والکتاب والنبيين و آتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی
والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب . . تا آخر آیه .

این آیه در باره تغییر قبله از سمت بیت المقدس بسمت کعبه
نازل شد، همینکه دستور تغییر قبله داده شد، چون مخالف میل
یهودیان بود، بمبارزه تبلیغاتی برخاستند و نومسلمانهارا دچار شک و
تحیر نمودند؛ در این آیه بطور جامع هدف دین را بیان نموده؛ که این
دستور ظاهری برای همان تربیت معنوی است، کسانی که بهمین ظواهر
پیردازند، وبآن مقصود و هدف معنوی توجه ننمایند، سخت در اشتباهند،
این آیه باجملات اول نفی و اثبات و حمل ذات بر صفت تأکید می نماید
که همه خوبی و خیر که مقصود است این نیست که روی بمشرق آرید
یا بسوی مغرب، بلکه مقصود تربیت چنین مردمی است که مبدأ عقلی
آنها چنان برومند شود که علت فاعلی و غائی و نظامات جهان و اصول
وظائف، و مردان عالی را که آورندگان قانونند، بشناسند؛ وبآنها
ایمان آورند، دیگر آنکه نیروی عمل و تولید آنها چنان بکار افتد که
واماندگانرا دستگیری نمایند، و از بی سرپرستها سرپرستی کنند و بند
بندگی خلق را از گردنهای باز کنند، و بوسیله اقامه صلوة با خدا مرتبط
گردند، در قدرت اراده چنان باشند که پای تصمیم و ایمان و دفاع از
حقوق محکم بایستند و بعهدهای خود و فانیانند، و در برابر هیجانهای

داخلی و و سوسه های اضطراب انگیز ، نقض عهدنمایند ، و با اراده آهنین محکم در سنگر وظیفه بایستند ، چنانکه چهره عبوس گرسنگی و فقر و مصائب و دم شمشیرها آنها را شکست ندهد ، نشان جاویدان صدق و تقوی تنها آنها را شایسته است و بس .

«او لئک الذین صدقوا و او لئک هم المتقون»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی
 تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰
 تلفن: ۸۸۰۰۰۰۰۰ - ۸۸۰۰۰۰۰۱
 وبسایت: www.iair.ac.ir